

سنجش کارایی واحدهای تولید مرغ گوشتی استان گیلان با استفاده از ترکیب تکنیک‌های تحلیل پوششی داده‌ها و برنامه‌ریزی آرمانی

علی جوان پرست*, 172,

1397-11-9

در محیط کسب و کار کنونی، سازمان‌ها به منظور کسب قدرت بیشتر در رقابت‌های جهانی تلاش می‌کنند تا کارایی خود را به طور مستمر بهبود دهند. به بیان دیگر مسائل ناشی از افزایش رقابت و پیچیدگی محیط، شرکت‌ها را به فکر استفاده از روش‌های کارا تر و موثرتری در اداره امورشان انداخته است. لذا هدف از انجام این تحقیق، سنجش کارایی واحدهای تولید مرغ گوشتی استان گیلان با استفاده از ترکیب تکنیک‌های تحلیل پوششی داده‌ها و برنامه‌ریزی آرمانی می باشد. مطالعه حاضر توصیفی، از نظر زمانی بصورت مقطعی و به لحاظ استفاده از تکنیک ترکیب روش تحلیل پوششی داده‌ها و برنامه‌ریزی آرمانی از نوع کمی و از لحاظ اهداف تحقیق کاربردی می باشد، زیرا یافته‌های حاصل از این پژوهش مبنای توصیه‌های پیشنهادی برای واحدهای تولید مرغ گوشتی در استان گیلان خواهد بود. بر اساس روش تحقیق، نوع تحقیق میدانی است، زیرا مطالعاتی که انجام خواهد گرفت به صورت نظام یافته بوده و بر اساس آن به سوالات پاسخ می‌دهد. پس از تعیین عوامل ورودی و خروجی و جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات در نرم افزار GAMS برای محاسبه کارایی آماده شدند. برای محاسبه کارایی مرغداری ابتدا از مدل‌های CCR و BCC با ماهیت ورودی با فرض بازده به مقیاس افزایشی استفاده نموده ایم. در ماهیت ورودی عدد کارایی مرغداری‌های کارا برابر 1 و عدد کارایی مرغداری‌های ناکارا کوچکتر از 1 می‌گردد. بر اساس مدل BCC-CCR حدود 62.5 درصد از مجموع مرغداریهای مورد بررسی در مرز کارایی قرار دارند (امتیاز 1). میانگین کارایی مرغداری‌های مورد بررسی 0.99 درصد می‌باشد. به این معنا که در مجموع مرغداری‌های مذکور 1 درصد بیش از میزان مورد نیاز، ورودی‌ها و عوامل تولید را مورد استفاده قرار داده‌اند و در صورتی که به صورت کارا عمل کنند می‌توانند با کاهش هزینه‌های خود به میزان 1 درصد همان سطح از محصول را ارایه دهند.

کلمات کلیدی : کارایی، تحلیل پوششی داده‌ها، برنامه‌ریزی آرمانی، ترکیب تکنیک‌های تحلیل پوششی داده‌ها و برنامه‌ریزی آرمانی